

سیاست خارجی آمریکا مثل همه کشورهای دیگر، دو وجه دارد؛ ثابت و متغیر. سیاست‌های ثابت همان راهبردهای طولانی مدت هستند و برخی از این سیاست‌های راهبردی پس از دهه‌ها تغییر می‌کنند و برخی نیز ممکن است هرگز تغییر نکنند.

سیاست‌های متغیر نیز همانطور که از نام آنها پیداست، ممکن است با تغییر دولت در آمریکا و حتی در دوره یک رئیس‌جمهور و پس از هر اتفاقی، تغییر کند. مثل ماجرایی که هم اکنون میان آمریکا و پاکستان اتفاق افتاده و روابط دو کشور را تیره کرده است؛ «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، مطالبی را در حساب کاربری خود به اشتراک گذاشت که مقامات اسلام‌آباد را به شدت عصبانی کرده است. مشابه همین وضعیت را طی سال‌های گذشته در روابط آمریکا و عربستان، آمریکا و ترکیه و آمریکا و فیلیپین شاهد بوده‌ایم.

در مجموع، تنها در صورتی می‌توان از سیاست متغیر آمریکا، تعریفی به دست داد و آن را «معتادار» کرد که میانی ثابت و غیرقابل تغییر این سیاست‌ها را کشف نمود. به همین خاطر، کشف منطق درونی سیاست‌های راهبردی آمریکا اهمیت می‌یابد.

قبل از آنکه یک تبارشناسی از سیاست خارجی ثابت آمریکا به دست بدهیم و به مبانی و ریشه‌ها برسیم، ذکر این نکته لازم است که اگر در مورد سیاست‌های آمریکا اعتراض وجود دارد، اگر گفته می‌شود این سیاست‌ها، امپریالیستی و شیطانی است و اگر آمریکا را غیرقابل اعتماد می‌نامند، منظور همین سیاست‌های دائمی و راهبردی است.

تبارشناسی

سیاست خارجی ثابت آمریکا، سه لایه دارد و از اکنون تا گذشته‌های دور (حدوداً ۲۵۰ سال گذشته) را شامل می‌شود. این سه مرحله به ترتیب (از اکنون تا ۲۵۰ سال قبل) عبارتند از: ۱) سیاست‌های میدانی راهبردی، ۲) گفتمان‌های جسکونی و جفرسونی، ۳) گفتمان روشنگری. در اینجا قصد نداریم که تاریخ دیپلماسی را بیان کنیم و از بحث ژورنالیستی فاصله بگیریم. به همین خاطر، توضیحات ما مختصر خواهد بود، در حدی که بتوانیم ثبوت را در سیاست خارجی آمریکا اثبات کنیم و بگوئیم که چرا ایجاد پیوند مستحکم با آمریکا، برای کشورهای منطقه، زیانبار خواهد بود و در جای خود، پاکستان را نیز مثال خواهیم آورد.

پرونده نیکسون

«کتاب شاه» نام پرونده‌ای است که از «ریچارد نیکسون» به «جیمی کارتر» رسیده بود؛ کارتر زمانی که در سال ۱۹۷۶ وارد دفتر کارش در کاخ سفید به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا شد، پرونده‌های متعددی راجع به کشورهای و مناطق حساس جهان، روی میزش قرار داشت. یکی از این پرونده‌ها «کتاب شاه» نام داشت و راجع به ایران آن زمان بود.

کتاب شاه را نیکسون برای رئیس‌جمهور بعدی گذاشته بود؛ در این پرونده خیلی محرمانه، به رئیس‌جمهور بعدی سفارش شده بود که ظواهر را با شاه ایران حفظ کند، ولی چون شاه به دنبال سلاح‌های استراتژیک و حتی سلاح هسته‌ای است، رئیس‌جمهور جدید آمریکا باید به طریقی، بلندپروازی‌های او را مهار نماید.

نیکسون دوستی ۲۵ ساله‌ای با شاه داشت و این دوستی به قدری قوی بود که شاه در زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، به نیکسون مخفیانه کمک مالی کرده بود. در طول دوران ریاست جمهوری نیکسون هم، شاه گوش به فرمان او بود و منافع آمریکا را در نظر داشت. اما نیکسون حس می‌کرد که شاه در حال خروج از چارچوبی است که آمریکا تعیین کرده بود. این چارچوب چه بود؟ مگر شاه بهره آمریکا به حساب نمی‌آمد و مگر در پشت پرده با اسرائیل رابطه نداشت؟ پس چرا نیکسون به کارتر سفارش می‌کند که شاه را متوقف کند؟

این همان نکته حساسی است که ما در مقاله حاضر به دنبال یافتن جوابی برای آن هستیم.

پرونده «کتاب شاه» و صدها پرونده مشابه دیگر که رؤسای‌جمهور بعدی از اسلاف خود می‌گیرند و به جانفشانیان بعد از خود منتقل می‌کنند، متضمن همان سیاست‌هایی است که ما در اینجا نام آنها را «سیاست‌های ثابت» گذاشته‌ایم. سیاست‌هایی که هر چند میدانی هستند، ولی راهبردی‌اند و هیچ یک از دو حزب حق ندارند پس از به قدرت رسیدن این سیاست‌ها را نقض کنند.

گفتمان پدران بنیانگذار

بنیانگذاران آمریکا و متفکرانی که بعد از آنها آمدند و مرزهای ارزشی این کشور را مهندسی کرده‌اند، رسالتی را برای این کشور ترسیم کرده‌اند که که در بطن آن، دو هویت «خود» و «دیگری» قابل تمایز است و این چیزی است که در ابیات و گفتمان افرادی مثل «جفرسون» و «جکسون» می‌توان مشاهده کرد.

«انسان آمریکایی» کسی است که با جهان غریزاً زد و ناهنجار روبرو است و لذا، برای تغییر این جهان، احساس رسالت می‌کند. آمریکایی‌ها با همین نگرش، سرخپوست‌ها را در سرزمین آبا و اجدادشان قلع و قمع کردند و سیاهپوستان را نیز در همین مسیر، به خدمت گرفتند. این احساس وقتی که در برهه‌های بعدی با طمع سرمایه‌داری ادغام شد، تبدیل به بهمن مخربی گردید که هر مانعی را در مسیر خود ازبین می‌برد و جنگ‌های زیادی آفرید، کودتاها کرد و ملت‌های زیادی را به بند کشید.

در اینجا نیز همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، نیروی واحدی آمریکا را به پیش می‌برد و این نیرو در طول زمان، تغییر نکرده است. این نیروی پیش‌برنده همان چیزی است که ما در اینجا از آن تحت عنوان «سیاست خارجی ثابت» نام می‌بریم.

روشنگری

آمریکایی‌ها پس از جنگ علیه استعمار بریتانیا و پیروزی در این جنگ، در سال ۱۷۷۷ قانون اساسی مستقل خودشان را نگارش کردند. آمریکا جدید از همان ابتدای شکل‌گیری، دو میراث را با خود داشت: ۱) فرهنگ اروپایی، ۲) ارزش‌های موسوم به «روشنگری». فرهنگ اروپایی به سه طور ذاتی، یک فرهنگ مهاجم و خودبزرگترین

تشکیلات خودگردان فلسطین و طرفداران سازش در برابر دو گزینه قرار دارند؛ اول شرایط را به گونه‌ای تغییر دهند که رژیم صهیونیستی مجبور به پذیرش خواسته‌های آنها شود، و دوم محتوا و ماهیت روند سازش تغییر یابد که اجرائی شدن این موضوع دور از ذهن نیست. وزیران خارجه مصر، اردن، مغرب، عربستان، امارات و تشکیلات خودگردان فلسطین همراه دبیرکل اتحادیه عرب اخیراً در امان نشستی برگزار کردند تا در ظاهر راهکارهای مقابله با اقدام آمریکا درخصوص قدس را مورد بررسی قرار دهند.

در پایان این نشست، وزیر خارجه اردن گفت: شرکت کنندگان در نشست امان توافق کردند اتحادیه عرب برای به رسمیت شناختن دولت فلسطینی توسط جامعه جهانی، تلاش‌های خود را به زودی شروع کند. پایتخت این دولت «قدس شرقی» و محدوده حاکمیتش مرزهای سال ۱۹۶۷ اعلام شد. احیای روند صلح تشکیلات خودگردان فلسطین با رژیم صهیونیستی و پایان دادن به بحران فلسطین نیز از دیگر توافقات این

دولت پاکستان به دنبال ایجاد مناسبات متوازن با غرب است و می‌خواهد که این مناسبات، مبتنی بر احترام متقابل به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی طرفین باشد. اما، نگاه آمریکا به این مناسبات متقابل، کاملاً متفاوت است؛ واشنگتن نگاه راهبردی به پاکستان دارد و براساس نقشه راهی که خود برای کل منطقه ترسیم کرده است، به پاکستان می‌نگرد.



آمریکایی‌ها می‌گویند این نهادها و قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌ها، همه مانع و بازدارنده‌اند. ما نماد خیر، خوبی و آزادی هستیم و هرکسی که مقابل ما قرار گیرد، شر است! قانون تا جایی خوب است که به سطره و سلطه ما بر جهان و برای ایجاد نظم دلخواه ما بر سراسر گیتی کمک کار باشد. وقتی قانون ممانعت ایجاد کند، نادیده گرفته می‌شود!



بود؛ اروپایی‌های آن زمان، چه به لحاظ دینی و چه به لحاظ فرهنگی، حق به جانب بوده‌اند و به همین خاطر، پیشرویی‌های آنها در ممالک دیگر سه شاخه داشت؛ نظامی، مذهبی و فرهنگی.

آمریکایی‌ها نیز دقیقاً همین روحیه را داشته‌اند و فرهنگ سایر ملل و قبایل مغلوب را خوار می‌شمرده‌اند.

علاوه بر آن، روشنفکران اروپایی جنبش‌های رنسانس (تجدید حیات) و رفورماسیون (اصلاح دین) را پشت سر گذاشته و به زعم خود، به ارزش‌های جوادانه مثل علم‌گرایی، ملی‌گرایی، حقوق بشر، توسعه، سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) و … پی برده بودند.

پیشاهنگان این جنبش (که روشنگری خوانده می‌شود) معتقد بودند که به ارزش‌های جوادانه دست نیافته‌اند، ارزش‌هایی که در همه گستره‌های جغرافیایی باید پخش شوند و گذر زمان نیز آنها را کهنه نمی‌کند.

همانطور که می‌بینیم، این حاملان ارزش‌ها در ذات خود، توسعه‌طلب هستند و سایر ملل و ادیان را خوار و خفیف می‌بینند.

مبانی سیاست راهبردی آمریکا

بدین ترتیب، عناصر و مبانی سیاست راهبردی آمریکا را می‌توان توسعه ارزش‌های روشنگری، فرهنگ مهاجم اروپایی، طمع‌ورزی سرمایه‌داری، گفتمان مبتنی بر هویت «خود» و «دیگری» و سیاست‌های میدانی راهبردی دانست.

پاکستان اکنون این فرصت را دارد که جدا شدن از آمریکا را تجربه کند. بعداً و در شرایطی که کس دیگری جای ترامپ را بگیرد، ممکن است دلارهای آمریکایی باز هم اشرافیت سیاسی پاکستان را وسوسه کند.



عناصر و مبانی سیاست راهبردی آمریکا را می‌توان توسعه ارزش‌های فرهنگ مهاجم اروپایی، طمع‌ورزی سرمایه‌داری، گفتمان مبتنی بر هویت «خود» و «دیگری» و سیاست‌های میدانی راهبردی دانست.

این جمع‌بندی به خوبی نشان می‌دهد که آمریکا برای خود در سیاست خارجی، یک «نقشه راه» ثابت دارد و مشکل کشورهایی که با آمریکا پیوند دوستی می‌بندند و در همان حال، سودای استقلال و توسعه را در سر می‌پروراند، بی‌اطلاعی و یا درک نادرست آنها از همین نقشه راه است. نقشه راهی که برای به بند کشیدن کشورهای دیگر و

نشست عنوان شده است.

اکنون سؤالی که مطرح می‌شود این است که تشکیل کشوری به نام فلسطین با مرکزیت قدس، چقدر قابل اجرائت؟ در پاسخ می‌توان گفت آن طوری که شواهد و قرائن نشان می‌دهد، نمی‌توان به این موضوع چندان دلخوش بود. از مجموع ۱۹۲ عضو مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳، ۱۳۴ کشور، دولت فلسطین را به رسمیت شناختند. اما رژیم صهیونیستی و برخی کشورها، دولت فلسطین را به رسمیت نشناخته و اعلام کرده بودند که «تاسیس دولت فلسطین تنها از طریق گفت و گو

نشست عنوان شده است. اکنون سؤالی که مطرح می‌شود این است که تشکیل کشوری به نام فلسطین با مرکزیت قدس، چقدر قابل اجرائت؟ در پاسخ می‌توان گفت آن طوری که شواهد و قرائن نشان می‌دهد، نمی‌توان به این موضوع چندان دلخوش بود. از مجموع ۱۹۲ عضو مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳، ۱۳۴ کشور، دولت فلسطین را به رسمیت شناختند. اما رژیم صهیونیستی و برخی کشورها، دولت فلسطین را به رسمیت نشناخته و اعلام کرده بودند که «تاسیس دولت فلسطین تنها از طریق گفت و گو

*** علت اینکه تشکیلات خودگردان فلسطین و کشورهای سازشکار عرب نتوانسته‌اند از اسرائیل امتیازی بگیرند، این است که بدون پشتوانه قدرت، چانه‌زنی می‌کنند.**

*** رژیم اسرائیل به خاطر حمایتی که از آمریکا می‌شود، همه قطعنامه‌های سازمان ملل را نادیده گرفته و خواسته‌های خود را بر طرف‌های عربی تحمیل می‌کند. لذا، مذاکره با این رژیم فایده‌ای ندارد.**

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

پاکستان – آمریکا درس‌ها و عبرت‌ها

اشاره

آیا می‌توان به تغییر سیاست آمریکا در منطقه غرب آسیا امیدوار بود؟ آیا می‌توان روی مناسبات با آمریکا از منظر دائمی بودن، متوازن بودن و دوستانه بودن، سرمایه‌گذاری کرد؟ در صورتی که بخواهیم نسبت به این مناسبات امیدوار باشیم، باید چگونه بازیگری باشیم و چه میزان تغییرات را در خود به وجود آوریم و یا به عبارت دیگر، چه امتیازات را باید به آمریکایی‌ها بدهیم؟

نویسنده مقاله حاضر با ترسیم انفکاک تحلیلی میان سیاست‌های ثابت و متغیر آمریکا نسبت به منطقه و جهان، تلاش می‌کند که به این سؤال پاسخ بدهد. به نظر وی، اگر مناسبات یک کشور فرسی در غرب آسیا با آمریکا، به سمت یک مناسبات همه‌جانبه و گرم برسد، حاصل و پرووند این مناسبات لاجرم، برد– باخت خواهد بود. این پرونداد، بخشی به خاطر نوع نگاه آمریکا به این منطقه خاص است و بخش دیگرش نیز به خاطر منافع است که آمریکایی‌ها در هر جای جهان به دنبال آن هستند.

سرویس خارجی

سبحان محقق

صفحه ۸
پنج‌شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۶
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۳۹ – شماره ۲۱۸۱۶



تولیدی این کشور نیز در حدی نیستند که بتوانند سیاستمداران برای اتخاذ راهبرد مستقل از غرب، دلگرم کنند.

علاوه‌بر مسایل اقتصادی، پاکستان که گرفتار یک رقابت امنیتی و تسلیحاتی تنگناکنگ با هند است، نیاز به عقبه استراتژیک قابل اتکا دارد. بنابراین، جدا شدن پاکستان از راهبردهای منطقه‌ای آمریکا، نیازمند رهبرانی باکفایت، اجماع سیاسی نخبگان، تحمل ریاضت اقتصادی و سختکوشی مردم است.

آینده مناسبات دو کشور

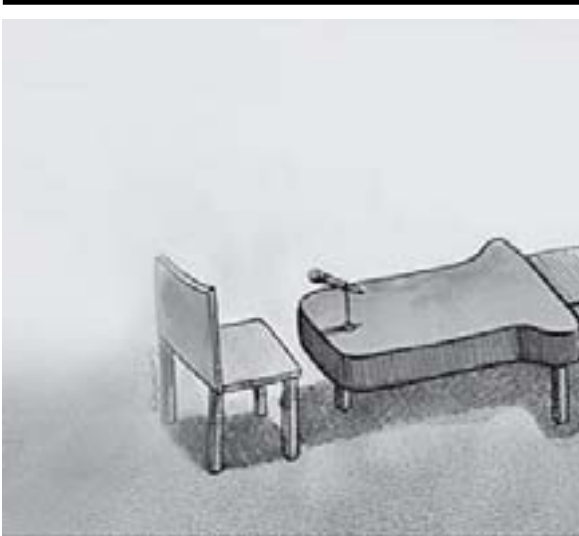
دولت پاکستان به دنبال ایجاد مناسبات متوازن با غرب است و می‌خواهد که این مناسبات، مبتنی بر احترام متقابل به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی طرفین باشد.

اما، نگاه آمریکا به این مناسبات متقابل، کاملاً متفاوت است؛ واشنگتن نگاه راهبردی به پاکستان دارد و براساس نقشه راهی که خود برای کل منطقه ترسیم کرده است، به پاکستان می‌نگرد.

در نگاه مقامات آمریکایی، پاکستان ابزاری بیش نیست و باید به وظیفه‌اش عمل کند و اگر وظیفه‌اش را خوب انجام ندهد، تنبیه می‌شود! این که کاخ سفید اعلام کرده، کمک‌های مالی دو میلیارد دلاری را به پاکستان نخواهد پرداخت، در همین چارچوب قابل تحلیل است.

اما در حال حاضر و تا زمانی که ترامپ در آمریکا بر سر کار است، اسلام‌آباد می‌تواند به دنبال جایگزین باشد؛ مناسبات تجاری و اقتصادی خود را با کشورهای منطقه، چین و روسیه گسترش دهد، برای جبران کسری مالی و به دنبال جایگزین باشد، تا به تدریج و به مرور زمان، از رنج وابستگی به آمریکا خلاص شود.

البته، همان‌طور که گفته شد، پاکستان اکنون این فرصت را دارد که جدا شدن از آمریکا را تجربه کند. بعداً و در شرایطی که کس دیگری جای ترامپ را بگیرد، ممکن است دلارهای آمریکایی باز هم اشرافیت سیاسی پاکستان را وسوسه کند. اشرافیت سیاسی پاکستان مشکل از نخبگانی است که با دلارهای آمریکایی رشد و نمو کرده‌اند.



۲) یاباید ماهیت و محتوای مذاکرات سازش تغییر یابد. اجرائی شدن این موضوع دور از ذهن نیست، چرا که مذاکرات براساس شرایطی که تاکنون ادامه داشته، امکانپذیر نیست. درحقیقت، این شرایط سال‌ها به قدس، رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین مرگ تشکیل کشور و دولت فلسطینی را اعلام کرد. به نظر می‌رسد اقدام آمریکا درخصوص قدس شرایطی را فراهم کرده که محتوا و ماهیت مذاکرات سازش تغییر یابد. اکنون تشکیلات خودگردان فلسطین به همراه کشورهای عربی می‌کشند تا از طریق راهکارهای سیاسی – حقوقی و اجماع سازی جهانی علیه رژیم صهیونیستی، در مذاکرات آینده سازش اهرم‌های بیشتری در اختیار داشته باشند و تل آویو نیز با تکیه به منطق قدرت، تلاش می‌کند تا سیاست‌های خود را اعمال کند.

در مجموع ، چنین به نظر می‌رسد که طی ماه‌های آینده رایزنی‌های سیاسی درباره فلسطین افزایش خواهد یافت. لذا باید منتظر بود و دید که گفت‌وگوهای سیاسی چقدر قدرت اجماع سازی و دفاع از حقوق فلسطینیان را به دنبال دارد.

منبع: تسنیم

